

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

منتشره در: امریکا ۲۱
نویسنده: عمر کروئل (مصاحبه: الکساندرا اشمیل)
فرستنده: عثمان حیدری
۲۹ جنوری ۲۰۲۳

بولوارته دیگر فقط یک خائن نیست، بلکه یک قاتل هم است. پرو: برای بسیاری، بولوارته دیگر فقط یک خائن نیست، بلکه یک قاتل است.



دلایل اعتراضات گسترده و سراسری از ابتدای دسمبر سال گذشته در پرو چیست؟

می توان به این اعتراضات در ابعاد اقتصادی و تاریخی نگاه کرد. برکناری پدرو کاستیلو را باید به عنوان یک عامل محرک ذکر کرد.

به قولی او خودش دست به کودتا زد، اما بسیاری، به ویژه هوادارانش، این تصمیم را بیشتر تلاشی برای تحقق وعده های انتخاباتی اش می دانند. مخالفان و بخش هایی از جامعه دستگیری فوری او را ضد کودتا می دانند. اولین موج اعتراضات توسط هواداران او سازماندهی شد.

بعدها محافل وسیع تری که با کنگره مخالف بودند به آنها پیوستند و دینا بولوارته [جانشین، معاون رئیس جمهور در زمان کاستیلو] را به عنوان همدست کنگره می دیدند. محبوبیت این زن کمتر از ۱۰ درصد در جامعه است.

همچنین بولوارته در ابتداء اعلام کرد که انتخابات در سال ۲۰۲۶ برگزار می شود که این تصمیم هم با مخالفت های گسترده در پرو مواجه شد.

مردم احساس می کنند کسانی که در انتخابات گذشته شکست خوردند اکنون به قدرت رسیده اند.

این دلایل و اضافه بر آن سرکوب شدید که دولت با آن به اعتراضات واکنش نشان می‌دهد، منجر به پیوستن بیشتر و بیشتر مردم شده است.

عامل تاریخی بیشتر نقش ثانوی را در اعتراضات بازی می‌کند.

این دیگر فقط در مورد آزادی کاستیلو یا برکناری بولوارته نیست، بلکه در مورد سایر مطالبات محلی تر است که همیشه وجود داشته، به عنوان مثال با گستردگی فساد، سوءاستفاده از معادن یا مسائل مربوط به زمین خواری.

در نهایت، اعتراضات نشان دهنده بی اعتمادی و خستگی سیاسی نیز می‌باشد.

بحران کنونی ریشه در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ دارد، زمانی که قوه مجریه، مجلس و جامعه مدنی در برابر یکدیگر قرار گرفتند.

از آن زمان، بسیاری از مردم احساس کرده اند که چیزی باید تغییر کند. یکی از خواسته های اصلی معترضان تشکیل مجلس مؤسسان است، همانطور که اخیراً در چیلی و بولیوی در سال ۲۰۰۶ اتفاق افتاد.

چرا بسیج مخالفان و اعتراض در جنوب پرو بسیار بیشتر از شمال است؟

بیشتر جمعیت بومی در جنوب کشور به ویژه در پونو، کوسکو، ایاکوچو و آپوریماک زندگی می‌کنند. این مناطق همواره از نظر سیاسی، اجتماعی و فرهنگی از جمله از نظر اقتصادی حاشیه‌نشین‌ترین مناطق بوده‌اند.

آنچه نئولیبرالیسم در سی سال گذشته به آن دست یافته است، بازکردن و گشودن این مناطق و در عین حال ایجاد و تقویت نابرابری های بزرگ در همه ابعاد است. از لحاظ تاریخی، احساس نارضایتی شدیدی در جنوب از حکومت وجود داشته است.

این احساس لزوماً آنها را از نظر ایدئولوژیک چپ نمی‌کند، اما آنها را منتقد سیستم سیاسی و اقتصادی و همچنین تمرکزگرایی و پایتخت لیما می‌کند. به طور کلی، به این دلایل، جنوب نیز سنگر منتخب کاستیلو بود.

عامل دیگر این است که در جنوب سنت بارزتر اعتراض و سازماندهی اجتماعی وجود دارد که در حال حاضر به شکل ایجاد موانع، به عنوان مثال، بر اساس یک سیستم چرخشی عمل می‌کند.

این بدین معنی است که در حالی که برخی معترضان کار می‌کنند، برخی دیگر اعتراض می‌کنند. این سطح از هماهنگی پیچیده است و در نتیجه تجربه و سازماندهی در جامعه جنوب وجود دارد. این زیرساخت های سازمانی است که اعتراضات را زنده نگه می‌دارد.

خشونت از کجا می‌آید و چگونه خشونت بیش از حد پولیس و ارتش علیه تظاهرکنندگان را، مانند اخیراً در جولیاکا،

توضیح می‌دهید؟

اعتراضات در برخی موارد خشونت آمیز بوده و باعث اختلال در زندگی عمومی شده است، اما این را نمی‌توان عمومی کرد و به تمام اعتراض‌ها تعمیم داد. در هر اعتراضی، چه در پرو و چه در جاهای دیگر، رهبران میانه رو و رادیکال حضور دارند.

رادیکال‌ها به معترضان می‌گویند:

«ما به شما گفته بودیم که دولت این کار را انجام خواهد داد. ما فقط می‌توانیم با خشونت بیشتر پاسخ دهیم.»

میانه‌روها کمتر می‌توانند مردم را متقاعد کنند. به خصوص دولت به این امر کمک کرده تا نفوذ آنها کم شود. دیگر بازیگران درگیر، خرابکاران و فرصت طلبانی هستند که از موقعیت سوء استفاده می‌کنند، مثلاً غارت می‌کنند.

علاوه بر این، اقتصاد غیررسمی، به ویژه استخراج غیررسمی نیز درگیر این اتفاقات است. بنابراین اینها بازیگران بسیار ناهمگونی هستند و این کار را برای رهبران دشوار می کند.

برای من واضح است که اعتراضات نه از سوی گروه بولیویائی پونچوس روخوس و نه از راه درخشان راه اندازی می شود.

بنابراین دولت بشدت در اشتباه است، یا بدخواهانه گفتمانی می سازد تا معترضان را تروریست معرفی کند و شبج جنگ داخلی دهه ۱۹۸۰ را مستقر کند. هدف از این کار متقاعد کردن طبقات متوسط شهری است که از اعتراضات فاصله زیادی دارند.

یقیناً برخی از بازیگران حکومتی با این وجود به این گفتمان اعتقاد دارند و به همین دلیل با خشونت رفتار می کنند و از مرز بین دموکراسی و دیکتاتوری عبور می کنند. متأسفانه بسیاری از رسانه های مسلط از گفتمان دولت حمایت می کنند.

آثار اقتصادی اعتراضات و بحران سیاسی بر کشور چیست؟

هدف از محاصره ها و اشغال ها به هم زدن، فلج کردن کشور و وادار کردن دولت به شنیدن حرف معترضان است. این یک اقدام اغراق آمیز است که در واقع باعث هزینه های بسیار بالائی می شود. اولین نکته مورد توجه من این است که مشکلات اقتصادی در پرو ریشه در بحران سیاسی سال ۲۰۱۶ دارد.

این بحران قبلاً دولت های گذشته را برای انجام اصلاحات و ایجاد فضای باز برای سرمایه گذاری را فلج کرده است. دوم، بحران به ویژه بخش گردشگری، یکی از مهم ترین بخش های کشور را تحت تأثیر خود قرار داده است. جنوری و به خصوص ماه کارناوال فبروری شلوغ ترین ماه های سال هستند. در دو سال گذشته، آنها قبلاً به دلیل بیماری همه گیری عملاً وجود نداشتند.

از دست دادن مجدد آنها ضربه بزرگی به اقتصاد خواهد بود و به همین دلیل است که هدف مردم و همچنین معترضان این است که بولوارته قبل از کارناوال سقوط کند.

اگر این اتفاق نیفتد، نمی دانم اعتراضات ادامه پیدا می کند یا خیر، زیرا بسیاری از مردم از کارناوال امرار معاش می کنند.

با این وجود، اقتصاد پرو در مقایسه با سایر کشورهای امریکای لاتین کاملاً پایدار است. تورم ما در میان کمترین تورم ها در قاره است و بانک مرکزی ملی بسیار خودمختار است.

نظم اقتصاد کلان علی رغم بحران شدید سیاسی احتمالاً دست نخورده باقی می ماند.

آیا برگزاری انتخابات زودهنگام از سوی مخالفان (قبل از تاریخ تعیین شده توسط دولت در اپریل سال آینده) را محتمل

می بینید؟

این خود موضوعی دراماتیک است، زیرا تشکیل احزاب و سازمان های جدید، آن هم به دلایل قانونی و نهادی، زمان بیشتری می برد. به همین دلیل است که کنگره و جانشین رئیس جمهور بولوارته، انتخابات را برای اپریل ۲۰۲۴ برنامه ریزی کرده اند. درخواست برای مطرح کردن این امر به بیش از پنجاه کشته، تظاهرکنندگان خشمگین فزاینده و یک دولت سرکوبگر فزاینده مربوط می شود.

به همین دلیل، بسیاری از مردم نیز خواستار اصلاحات سیاسی هستند. اما اولاً ما وقت نداریم و ثانیاً من به کنگره برای انجام آن اعتماد ندارم.

به نظر می‌رسد که در حال حاضر تنها راه برای تشنج زدایی از اعتراضات، انتخابات زودهنگام است. مشکل اینجاست که با انتخابات زودهنگام و همین احزاب، کنگره ای شکل می‌گیرد که بسیار شبیه کنگره فعلی است. تظاهرکنندگان بولوارته را رد می‌کنند زیرا از نظر مردم، او دیگر فقط یک خائن به کاستیلو نیست، بلکه اکنون یک قاتل نیز هست. با این حال، استعفای او به معنای جانشینی فوری ریاست جمهوری خوزه ویلیامز است. رئیس کنگره و فردی نزدیک به جناح راست.

او یک جنرال بازنشسته است که درگیر درگیری‌های داخلی بود. بنابراین من شک دارم که مردم او را به عنوان رئیس جمهور بپذیرند.

معترضان نه تنها خواهان استعفای بولوارته هستند، بلکه خواستار تغییر در شورای کنگره برای اجازه دادن به بازیگران میانه‌رو بیشتری هستند که سکان هدایت را در دست بگیرند.

اما هیچ راهی وجود ندارد که کنگره این اجازه را بدهد مگر این که اعتراضات فعلی در لیما به اندازه اعتراضات سال ۲۰۲۰ گسترده شود که به نظر من بعید است.

در انتها: چگونه می‌توان به خشونت و بحران پایان داد؟ آیا پیش‌بینی‌ای برای آینده نزدیک دارید؟

خواست‌های مخالفان بسیار متفاوت و حتی گاهی متناقض است. گروه‌های پراکنده زیادی وجود دارند که در برخی موارد به یکدیگر بی‌اعتماد هستند.

در حالت ایده‌آل باید با بولوارته مذاکره کرد، اما به نظر من بعید به نظر می‌رسد کسی حاضر به اینکار شود. تنها راه پایان دادن به اعتراضات این است که او استعفاء دهد و یک شورای بزرگتر کنگره، فضائی را برای مذاکره با رؤسای ایالتی و رهبران تظاهرات باز کند.

فکر نمی‌کنم به این زودی‌ها این اتفاق بیفتد. بولوارته احتمالاً برای مدت کوتاهی در قدرت باقی خواهد ماند و اعتراضات ادامه خواهند یافت و رشد می‌کند.

در حال حاضر کمبود بازیگران سیاسی قانونی وجود دارد. به طور معمول، سیاستمداران با تجربه نگران کسب ثروت و آینده خود هستند زیرا به حرفه سیاسی خود پایبند هستند – نه اینجا. ما افراد زیادی داریم که به هیچ حزبی تعلق ندارند و به عنوان مثال به عنوان یک سرمایه‌دار در فکر بازگشت به حرفه خود هستند. بنابراین آنها انگیزه‌ای برای ماندن در سیاست و یا پی‌گیری و تحقق اهداف سیاسی خود را ندارند.

انتخابات بعدی بسیار قطبی خواهد بود و متأسفانه میانه‌روها به شدت ضعیف است که برای هر دموکراسی خطرناک است.